

پژوهشهای تربیتی و روانشناختی  
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان  
سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، پائیز و زمستان ۱۳۸۶  
ص ۲۳-۳۲

## تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران هویت دانش آموزان متوسطه اصفهان

سید احمد احمدی، استاد گروه مشاوره دانشگاه اصفهان  
sahmad@edu.ui.ac.ir  
علی رمضانی، کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان

### چکیده

این تحقیق به بررسی تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران هویت دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان پرداخته است. ابتدا از بین نواحی آموزش و پرورش اصفهان، ناحیه چهار و از آن ناحیه دو دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شد. آنگاه آزمون بحران هویت به دانش آموزان این دو دبیرستان داده شد. دانش آموزانی که در آزمون بحران هویت نمره ۲۶ تا ۳۰ گرفتند و دارای بحران بودند، مشخص گردیدند. این دانش آموزان ۶۰ نفر بودند که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. متغیر مستقل آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بود که در نه جلسه آموزش داده شد. فرضیه تحقیق این بود که آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بحران هویت دانش آموزان متوسطه را کاهش می دهد. نتایج نشان داد که آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بحران هویت دانش آموزان دبیرستانی را کاهش داده است ( $P < 0/01$ ). تحلیل رگرسیون نشان داد که وضعیت اقتصادی و بهبود وضعیت تحصیلی با بحران هویت رابطه معکوس دارد و با بهبود وضعیت اقتصادی و تحصیلی بحران هویت کاهش می یابد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مسؤولیت پذیری، بحران هویت، روش درمانی گلاسز.

### مقدمه

دوره نوجوانی یکی از ادوار مهم زندگی است. این دوره بهترین فرصت برای رشد و شکوفایی توانمندیهاست. به این مناسبت دوره نوجوانی را یکی از فرصت‌های پر اهمیت در زندگی آدمی به شمار آورده اند. یکی از مسائلی که نوجوان با آن روبه‌رو است شکل‌گیری هویت است؛ بدین معنا که نوجوان تشخیص دهد که کیست و چه کارهایی مهم و ارزشمند است و به تنظیم معیارهایی پردازد تا بر اساس آنها رفتار کند و برای سؤال اساسی خود؛ یعنی هدف در زندگی پاسخی بیابد. گاهی نوجوان به علت تجارب نادرست دوران کودکی یا شرایط نامساعد محیطی دچار بحران می‌شود (شاملو، ۱۳۷۲).

بحران هویت مهمترین بحرانی است که در زندگی نوجوان اتفاق می‌افتد و چنانچه راه حلی برای آن یافت نشود، به آشفتگی هویت و پریشانی شخصیت می‌انجامد. در هنگام بحران هویت، نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است؛ به صورتی که نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خود را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد (احمدی، ۱۳۷۸ ص ۲۹).

برای مقابله با بحران هویت نوجوانان روشهای مختلفی پیشنهاد شده است؛ یکی از روشهای مقابله با بحران هویت، آموزش مسؤولیت‌پذیری است. نوجوان با قبول مسؤولیت و ارتباط مؤثر با دیگران و جامعه به رشد تواناییهای خویش می‌پردازد و برای زندگی آماده می‌گردد و با انجام کار به هویت توفیق دست می‌یابد. با آموزش مسؤولیت‌پذیری می‌توان انسانهایی اندیشمند خلاق، سرزنده و با نشاط تربیت نمود؛ انسانهایی که در شناسایی و حل مشکلات موجود تلاش می‌کنند و اگر در موردی شکست بخورند، برای پیدا کردن راه حل مناسب می‌کوشند و مأیوس و دل‌سرد نمی‌شوند. به اعتقاد ستیر<sup>۱</sup> (۱۳۷۵)، ترجمه ب آینده جامعه نیازمند انسانهایی با مسؤولیت است؛ آنان که توانایی شناخت مشکل و انتخاب راه حل را داشته باشند و بتوانند براساس احتیاج خود و جامعه برنامه ریزی نموده و آن را اجرا نمایند.

---

1. Satir

در زمینه مواجهه با بحران هویت نوجوانان تحقیقات محدودی صورت گرفته است. رئیسی (۱۳۷۶) تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه نواحی ۳ و ۴ شهر اصفهان را بررسی نمود و نتیجه گرفت که تأثیر مشاوره گروهی بر بحران هویت نوجوانان معنا دار بوده و آن را کاهش داده است. محمدی (۱۳۷۶) نقش واگذاری مسؤولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان پسر ناسازگار پایه دوم و سوم مقطع راهنمایی شهر تهران را بررسی کرد و به نتیجه رسید که واگذاری مسؤولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مؤثر است. انگلیش<sup>۱</sup> و هاوس<sup>۲</sup> به نتایج مثبتی از به کارگیری واقعیت درمانی در کاهش مشکلات انضباطی، افزایش کارآیی در مدرسه و بالا بردن احساس مسؤولیت دست یافتند (به نقل از شارف<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). کانت<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) رابطه بین خود کفایی و مسؤولیت در یک نمونه در سنین ۱۷ - ۱۰ سالگی را بررسی نمود و نتیجه گرفت که افزایش سن باعث مسؤولیت پذیری بیشتر می شود و افزایش خود کفایی و مسؤولیت با هم رابطه مثبتی دارند. این تحقیق مسؤولیت پذیری را به نمونه ای از دانش آموزان متوسطه شهر اصفهان آموزش می دهد و تأثیر آن را بر بحران هویت آنان بررسی می کند.

فرضیه های تحقیق عبارت است از: ۱- آموزش مسؤولیت پذیری بحران هویت دانش آموزان متوسطه را کاهش می دهد؛ ۲- بین ویژگیهای دموگرافیک و بحران هویت دانش آموزان متوسطه رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

روش این تحقیق تجربی بوده و از طرح دو گروهی (گروه آزمایش و گروه کنترل) با پیش آزمون و پس آزمون استفاده شده است. متغیرهای کنترل شامل تحصیلات والدین، شغل والدین، وضعیت اقتصادی و تعداد افراد خانواده بوده است. نمونه تحقیق به صورت تصادفی مرحله ای از میان

---

1. English  
2. Haws  
3. Sharf  
4. Cant

دانش‌آموزان دبیرستانهای اصفهان به این صورت انتخاب شدند که ابتدا از بین نواحی آموزش و پرورش اصفهان ناحیه چهار و از بین دبیرستانهای این ناحیه دو دبیرستان (یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب گردید. آنگاه آزمون بحران هویت در این دو دبیرستان اجرا شد. دانش‌آموزانی که نمره ۲۶ گرفتند و بالاتر از نقطه برش و دارای بحران هویت بودند، مشخص گردیدند. تعداد این افراد ۶۰ نفر بود که به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. متغیر مستقل آموزش مسؤولیت‌پذیری به شیوه گلاسر بود. جلسات آموزش مسؤولیت‌پذیری از منابع مختلف استخراج و پس از تأیید متخصصان دانشکده علوم تربیتی به صورت ۹ جلسه گروهی با ساختار به صورت زیر تنظیم گردید:

جلسه اول: شناخت هویت، هویت توفیق، هویت شکست و بحران هویت؛

جلسه دوم: پذیرش جنسیت خود و زمینه برای کسب هویت مثبت جنسی؛

جلسه سوم: روابط سالم و مؤثر با دیگران؛

جلسه چهارم: مهارت‌های تصمیم‌گیری؛

جلسه پنجم: لزوم برنامه‌ریزی در کارها و تصمیم‌گیری در این مورد؛

جلسه ششم: ارزیابی رفتار و قضاوت ارزشی درباره آن؛

جلسه هفتم: برنامه‌ریزی برای رفتار مسؤولانه؛

جلسه هشتم: تصمیم‌گیری در مورد تحصیل و انتخاب رشته تحصیلی؛

جلسه نهم: تصمیم‌گیری در انتخاب شغل.

ابزار تحقیق پرسشنامه بحران هویت بود. این پرسشنامه از پرسشنامه پرفسور آدامز، میوس، بروزنسکی و جکسون اقتباس شد (دانشور، ۱۳۷۵). با توجه به زمینه فرهنگی جامعه، تغییراتی در پرسشنامه توسط استاد راهنما و مشاور داده شد و از نظر محتوایی مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. سپس پرسشنامه در مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ دانش‌آموزان دبیرستانی اجرا شد و پایایی آن ۰/۷۵ به دست آمد. پرسشنامه اطلاعات عمومی شامل تحصیلات والدین، شغل والدین، وضعیت اقتصادی،

تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران ... ۲۷/

تعداد افراد خانواده و در آمد بود. برای تحلیل داده ها از تحلیل کواریانس و رگرسیون و نرم افزار SPSS استفاده شده است.

### نتایج

نتایج تحلیل کواریانس مربوط به میزان تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری بر بحران هویت گروه آزمایش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل کواریانس تأثیر آموزش مسؤولیت بر بحران هویت دانش آموزان متوسطه

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	میزان تاثیر	توان آماری
تعداد افراد خانواده	۶/۰۳	۱	۶/۰۳	۰/۰۰۳	۰/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵
تحصیلات پدر	۰/۲۵	۱	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۷۴	۰/۰۰۲	۰/۰۶
تحصیلات مادر	۱/۲۶	۱	۱/۲۶	۰/۵۵	۰/۴۶	۰/۰۱	۰/۱۱
درآمد	۱۰/۷۵	۱	۱۰/۷۵	۴/۷۲	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۵۷
شغل پدر	۲/۸۵	۱	۲/۸۵	۱/۲۵	۰/۲۷	۰/۰۲	۰/۱۹
شغل مادر	۰/۲۹	۱	۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۷۲	۰/۰۰۳	۰/۰۶
وضعیت اقتصادی	۲/۰۴	۱	۲/۰۴	۰/۸۹	۰/۳۵	۰/۰۱	۰/۱۵
پس آزمون	۲۹۶/۵۷	۱	۲۹۸/۵۷	۱۳۰/۱۳	۰/۰۰۰	۰/۷۲	۱/۰۰۰

بر اساس جدول ۱ تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل بعد آموزش مسؤولیت در پس آزمون معنادار است ( $F = 130/13$  و  $P < 0.000$ ). بنابراین، فرضیه اول تأیید می شود. میزان تفاوت ۰/۷۲

بوده؛ یعنی ۷۲ درصد واریانس نمره‌ها در پس آزمون مربوط به تاثیر آموزش مسؤولیت پذیری بوده است. توان آماری برابر یک بوده؛ یعنی احتمال نداشته است که فرضیه صفر به اشتباه تایید شده باشد. بنابراین، آموزش مسؤولیت پذیری بحران هویت دانش آموزان متوسطه را کاهش داده است. برای بررسی رابطه ویژگی‌های دموگرافیک با بحران هویت از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده و نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون در مورد رابطه متغیرهای دموگرافیک با بحران هویت

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	ضریب بتا	t	سطح معناداری
معدل	-۰/۹۲	۰/۱۹	-۰/۴۶	-۴/۹۳۲	۰/۰۰۰
تحصیلات پدر	-۰/۳۵	۰/۵۷	-۰/۰۶	-۰/۶۱	۰/۵۴
تحصیلات مادر	۸/۲۶	۰/۸۳	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۹۲
درآمد	-۰/۲۱	۰/۶۷	-۰/۰۴	-۰/۳۲	۰/۷۵
تعداد افراد خانواده	۲/۷۹	۰/۹۴	۰/۳۳	۲/۹۵	۰/۰۰۴
شغل پدر	۱/۳۹	۱/۰۱	۰/۲۱	۱/۳۷	۰/۱۷
شغل مادر	-۰/۷۳	۱/۴۱	-۰/۰۵	-۰/۵۲	۰/۶۰
وضعیت اقتصادی	-۲/۶۹	۱/۱۶	-۰/۳۸	-۰/۳۸	۰/۰۲

همانگونه که در جدول ۲ آمده است، رابطه تحصیلات مادر و تحصیلات پدر با بحران هویت پس از کنترل سایر متغیرها معنادار نبوده است ( $F = ۰/۹۲$ ،  $P > ۰/۵۴$ ). بین وضعیت اقتصادی و بحران هویت رابطه معنادار بوده ( $P < ۰/۰۲$ ) و میزان رابطه  $-۰/۳۸$  بوده است. علامت منفی بیانگر آن است که با بهبود وضعیت اقتصادی بحران هویت کاهش و با بدتر شدن وضعیت اقتصادی بحران هویت

تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران ... / ۲۹

افزایش می‌یابد. جدول ۲ همچنین نشان داد که رابطه عملکرد تحصیلی و بحران هویت معنادار ( $P < /0.01$ ) و میزان رابطه ( $-0.46$ ) بوده است. علامت منفی؛ یعنی با افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان بحران هویت آنان کاهش می‌یابد و با افت تحصیلی آنان بحران هویت افزایش می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بحران هویت دانش آموزان دبیرستانی اصفهان را کاهش داده است (جدول ۱). این نتیجه با یافته گلاسز (۱۳۷۳) در مدرسه دخترانه و تنورا همخوان است. نوجوانان در شکل دادن به هویت خود از قابلیت انتخاب برخوردارند و می‌توانند تجارب مثبت و هویت موفق را از طریق رفتار مسؤولانه در زندگی و مواجهه با مشکلات به دست آورند. آنها صرف نظر از تعداد شکستهای گذشته و سابقه زندگی، می‌توانند به موفقیت دست یابند. برای این منظور، ابتدا باید به طریقی موفقیت را در یکی از بخشهای زندگی خود تجربه کنند. با اولین تجربه موفقیت، عوامل منفی و آسیب رسان و باز دارنده کمرنگ می‌شود.

مسؤولیت پذیری تجربه جدیدی را به اعضای گروه آزمایش داد و آنها به این نکته پی بردند که دارای تواناییها و استعدادهای فراوانی هستند و اگر بتوانند از آنها بخوبی استفاده کنند، موفقیت‌های زیادی کسب خواهند نمود. به عبارت دیگر، دانش آموزان از مسؤولیت‌هایی که بعهد می‌گیرند تجربه می‌آموزند. اعضاء گروه آزمایش راه‌حلهایی برای مشکلات زندگی خود پیدا می‌کنند و می‌توانند در جهت شکوفا ساختن استعدادها و توانمندیهای خود گام بردارند.

بین تحصیلات والدین و بحران هویت رابطه معناداری وجود نداشت (جدول ۲). در تبیین این نتیجه به این نکته می‌توان اشاره نمود که تحصیلات والدین افراد نمونه در سطح متوسط و متوسط به پایین بود. والدین دارای تحصیلات بالاتر ممکن است از فرزندان خود انتظارات بیش از حد توان داشته باشند و این موضوع به بحران هویت فرزندان بینجامد.

بین وضعیت اقتصادی و بحران هویت رابطه معناداری وجود داشت (جدول ۲). معمولاً والدین طبقات بالای اقتصادی به نیازهای فرزندان خود پاسخ می‌دهند و با فراهم آوردن امکانات مناسب، انگیزه کشف و کنجکاوی را در کودک خود ایجاد و به رشد همه جانبه فرزند خود کمک می‌کنند، ولی در طبقات پایین اقتصادی، تغذیه ناکافی، منابع آموزشی فقیرتر، فرصت کمتر برای فعالیتهای بیرون از خانه و مدرسه باعث فشارهای روانی بر نوجوانان شده و عاملی بر شکست و بحران هویت آنان می‌شود.

بین تعداد افراد خانواده و بحران هویت نیز رابطه معناداری وجود داشت (جدول ۲). احتمالاً در خانواده‌های پر جمعیت توجه والدین بر فرزندان کمتر و توزیع محبت بین فرزندان نابرابر است و حمایت فرزندان و فرصت رسیدگی به فرزندان کمتر است. این عوامل می‌تواند مانع در رشد هویت فرزندان شود.

بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان و بحران هویت آنان رابطه معنادار و معکوسی بود (جدول ۲). شاید آنان که دچار بحران هویت هستند، اعتقاد به مهار بیرونی در کنترل و خویشتن پنداری منفی نسبت به خود داشته، برای موفق شدن تلاش چندانی نمی‌کنند و این موضوع بحران هویت آنان را تشدید می‌کند.

نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر بحران هویت دانش آموزان تأثیر داشته است. بنابراین، برای پیشگیری از بحران هویت می‌توان از این آموزش در دبیرستانها و مؤسسات آموزشی استفاده کرد. در تعمیم نتایج این تحقیق باید احتیاط نمود و به شرایط مشابه دانش آموزان توجه کرد. لازم است تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود تا با اطمینان بیشتری بتوان از آن در موارد دیگر استفاده کرد.



تأثیر آموزش مسؤولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران ... ۳۱/

## منابع

- احمدی، سید احمد. (۱۳۷۸). روانشناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان: مشعل.
- ریسی، فرهاد. (۱۳۷۶). بررسی تاثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه نواحی ۳ و ۴ شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- دانشور، افسانه. (۱۳۷۵). بررسی بحران هویت نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه آنان در شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).
- ستیر، ویرجینیا. (۱۳۷۵). آدم سازی. ترجمه بهروز بیرشک. تهران: رشد.
- شاملو، سعید. (۱۳۷۲). بهداشت روانی. تهران: رشد.
- گلاسز، ویلیام. (۱۳۷۳). مدارس بدون شکست. ترجمه حمزه ساده. تهران: رشد.
- محمدی، علی. (۱۳۷۶). بررسی نقش واگذاری مسؤولیت در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار پایه دوم و سوم مقطع راهنمایی پسرانه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- Anderson, D. R. (2000). Character education: Who is responsible. *Journal of Instructional psychology*.
- Corey, G. (1995). *Group counseling*. (4<sup>th</sup> edi). CA. Brook/Cole Pub. Co.
- Cant, M. C. (2000). Psychosocial predictors of childrens, Self-care behaviors. *American Diabets Association*. Retrived from: www. findarticle. Com.
- Donna, K. & Crawford, R. (2001). *The school for Guality learning: Managing the school*. Retrived from: // A:/ Counseling/ Reality Therapy. Ham.
- Erikson, E. (1959). The problem of ego identity. *Journal of the American psychological Association*, 4, 56 – 121.

Glaser, W. (1984). *Control theory*. New York: Harper and Row.

Glaser, W. (1998). *Choice theory*. New York: Harper and Row.

Sharf, R. (1996). *Theories of psychotherapy and counseling*. New York: Thomson International.

